



# مدرسه باطعم استارت آپی

**گفتگو با بنیان گذاران هنرستان کارآفرینی رکاد که می خواهند سیستم آموزشی را متحول کنند**

● شروع داستان برای اصلاح مسیر

شروع داستان هنرستان را از جمیل نیک اندیش جویا می شویم. او متولد ۱۳۵۶ است. سال ها به عنوان معلم زیست مشغول به کار بوده است و از سال ۸۶ به حوزه های مدیریتی و کارآفرینی علاقه مند می شود. او می گوید: ۴ سال پیش با رویدادهای کارآفرینی استارت آپ و یکند آشنا شدم و روش اجرا و خروجی های آن برای من جالب بود. به همین دلیل تصمیم گرفتم مشابه این مدل برنامه ها را در آموزش و پرورش اجرا کنم. تا حدود یک سال به هر کس که در این باره می گفتم متوجه موضوع نمی شد و آموزش و پرورش هم هیچ حمایتی نمی کرد. در همین بازه یک ساله، پیگیری اجرای استارت آپ و یکندهای دانش آموزی بودم که با حامد آرون آشنا شدم. آرون متولد سال ۶۷ است و در رشته معماری کارشناسی ارشد دارد و هم اکنون در حال تحصیل در رشته کارآفرینی است. او در سال ۹۵ معاون آموزش متوسطه ناحیه ۲ آموزش و پرورش مشهد بود و تلاش می کرد تا آموزش های عملی را در آموزش و پرورش اجرا کند. من هم که به دنبال اجرای استارت آپ و یکند بودم، در نهایت به این نتیجه رسیدیم که هر دو این ها یک مفهوم دارند و این گونه بود که با هم همکار و هم مسیر شدیم. نیک اندیش می افزاید: در ابتدا بارها به ما می گفتند که استارت آپ و یکند فضای نامناسبی دارد و مشکل زاست

و وارد آن نشوید، اما در نهایت با معاونت علمی صحبت کردیم و به ما پیشنهاد شد نظرات منفی را نادیده بگیریم و با اسمی دیگر همان استارت آپ و یکندها را در آموزش و پرورش اجرا کنیم. ما هم اسم «رکاد» را برگزیدیم و شروع به برگزاری این استارت آپ و یکند کردیم. در اولین رویداد رکاد در ۱۸ مدرسه برای آشنایی بچه ها پیش رویداد برگزار کردیم. در این رویداد ۶۰ نفر و در رویداد دوم ۵۰ شرکت کننده داشتیم. پس از آن در رویدادهای بعدی به دلیل جذابیت برنامه، دیگر نیازی به برگزاری پیش رویداد نبود و خود بچه ها به صورت خودجوش برای شرکت در این برنامه حاضر می شدند. خانواده ها هم خیلی خوب استقبال کردند و با همین مسیر حدود ۲ رویداد برگزار کردیم.

● آموزش با حل مسئله واقعی

او ادامه می دهد: مشاهده کردیم با برگزاری این رویدادها نه تنها توانسته ایم مشکل آموزشی را که در آموزش و پرورش وجود دارد، حل کنیم، بلکه مشکل تازه ای هم ایجاد شد. مشکل تازه این بود که بچه ها جذب این رویدادها می شدند و می گفتند بهتر از مدرسه است و ما دیگر نمی خواهیم به مدرسه برویم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که مدرسه ای در همین زمینه ایجاد کنیم. پس از تحلیل های مختلف و مطالعه درباره آن ها، با مدل های مختلف موجود در دنیا آشنا شدیم. در واقع سیستم آموزشی در دنیا خیلی با چیزی که ما در کشورمان داریم، فرق دارد. مناسب ترین مدلی هایی که با آن آشنا شدیم، مدل آموزش بر اساس حل مسئله (PBL) و مدل سیستم دوگانه شغلی آلمان بود. بچه ها تا ندانند که به چه دلیلی یک مطلب را یاد می گیرند، انگیزه ای برای آموختن آن ندارند. بهترین روش این است که یک ابهام وجود داشته باشد و بعد دانش آموز برای رفع آن ابهام به سراغ آموختن برود. این کار بهترین روش برای یادگیری است و

در قالب آن، کار تیمی هم انجام می شود. «بی بی ال» یعنی آموزش بر اساس ایجاد کردن یک ابهام و تیم شدن بچه ها و تلاش برای حل آن مسئله. سیستم استارت آپ و یکندها و رکاد هم بر این اساس است. ما فکر می کنیم کارآفرینی به معنای توانایی حل مسئله است. استادان ما هم در کنار مهارت های مختلفی که به بچه ها آموزش می دهند، به توان حل مسئله می پردازند.

● نمرات بالا ملاک نیست

نیک اندیش می گوید: در نهایت به این جمع بندی رسیدیم که یک مدرسه غیردولتی کار دانش ایجاد کنیم. اما در گرفتن مجوز با مشکل بسیار روبه رو بودیم. روند گرفتن مجوزها حدود ۸ ماه طول کشید تا در نهایت شهر یور ماه موفق به تأسیس این محیط آموزشی شدیم. در همان مدت کمی که فرصت داشتیم موفق شدیم ظرفیت چهار نفره ای را که برای این فضای آموزشی در نظر داشتیم، ثبت نام کنیم.

هم بنیان گذار هنرستان کارآفرینی رکاد می گوید: در فرایند جذب حدود ۱۰۰ متقاضی داشتیم، اما همه را نپذیرفتیم. ملاک های پذیرش ما با بقیه مدارس فرق داشت و معدل بالا ملاکی برای پذیرش دانش آموزان ما نبود. سلیختار آموزش و پرورش ما تنها برای موفقیت یک گروه از دانش آموزان طراحی شده است، گروهی که درون گراست و می تواند در کتابخانه بماند و درس بخواند. افراد برون گرای که اجتماعی هستند، نمی توانند در این فضاها جایگاه مناسبی به دست بیاورند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که بالا بودن نمرات ملاک انتخاب ما نباشد. چیزی که برای ما مهم بود، علاقه مندی به رایانه و فناوری و اطلاعات بود. آزمون تست سنجش کارآفرینی و مهارت های کامپیوتر را از بچه ها گرفتیم و در کنار آن با متقاضیان مصاحبه هم انجام شد. ما به جای استفاده از

دبیران آموزش و پرورش، در فضای آموزشی از منتورهای استارت آپی برای تدریس استفاده می کنیم. برای بهبود بهره وری آموزش تصمیم گرفتیم یک سوم وقت معلم های ما به تدریس موارد مصوب آموزش و پرورش اختصاص پیدا کند؛ یک سوم مهارت های فنی و یک سوم دانش آموزان آموزش دهیم. آن رشته «تولید محتوا و انیمیشن سازی» و «توسعه دهنده پایگاه اینترنتی» در مدرسه ما ارائه می شود.

او می گوید: برای نگرش بچه ها هم کارهایی انجام می دهیم؛ مانند برنامه ای با نام «یک ساعت موفقیت» که بر اساس آن، یک ساعت اول حضور بچه ها را به آبخش بیست دقیقه ای تقسیم می کنیم. در بخش اول بچه ها ورزش می کنند. در ۲۰ دقیقه دوم بچه ها می نویسند که می خواهند چه تأثیری در جامعه بگذارند. در بخش سوم هم یک کلیپ کوتاه از زندگی یک آدم موفق را می بینند. حرف اول را می زند و به ویژه پدرها و مادرها اصرار دارند که فرزندان شان حتما مدرک دانشگاهی بگیرند. بدون شک ما هم نمی توانیم با راه اندازی یک هنرستان استارت آپی و در مدت کوتاه این نگاه را تغییر دهیم.

● اینجا فرار از کلاس مجاز است

نیک اندیش ادامه می دهد: همه ما در زمان تحصیل خود، کلاس هایی را به یاد داریم که از اس جبار از ابتدا تا پایان با یک کارمند کلیدی می شوند. به همین دلیل از الان برای آن ها مسئله ای ویژه طراحی می کنیم تا آن ها با ایجاد تیم به حل این مسئله که برگرفته از شبکه مسائل دولت



عکس: خودآموزان شهر آردم



حامد سردار | خلاقت را می توان حلقه کشنده موفقیت در روند کاری بسیاری افراد دانست. این خلاقت است که به شما کمک می کند در تصمیم گیری های خود یا حل مسائل پیش روی خود، از روش های مختلف و بعضا نامتعارف استفاده کنید تا سریع تر به موفقیت برسید. به گفته شو میتر، نظریه پرداز مطرح اقتصادی، نوآوری و کارآفرینی یعنی تخریب خلاق! یعنی کارآفرینی که برای موفقیت در بازار و پاسخ به نیاز مشتریان، راه و روشی را برمیگزیند که تاکنون به فکر دیگری نرسیده است یا چرنت اجرای آن را نداشته اند. آموزش روش های خلاقانه حل مسئله سال هاست که در سیستم های آموزشی کشورهای توسعه یافته در حال اجراست و دانش آموزان باتوجه به استعدادی که دارند در حوزه های مختلف مهارت می آموزند و به راحتی در مشاغل مختلف می توانند مشغول فعالیت شوند. اما در ایران روال برعکس است. در سیستم آموزشی ما ارزش آن است که همه دکتر یا مهندس شوند و حضور بچه ها در رشته های مهارتی هنرستان و کار دانش، برای والدین به معنی پایان آینده در خشان فرزندان شان است. سیستم آموزشی کشور هم سال هاست که در رکود مانده و بچه ها در آن با خلاقت غریبه هستند و باید ساعت ها در کلاس هایی با کمترین بازدهی حضور یابند تا وقت حضور در مراکز کنکور فرا برسد. از اینجا به بعد داستان راه می دانیم: قبولی به هر ضرب و زور و بعد هم فارغ التحصیلی دانشجو یانی که کمترین قرایت را با فضای کار و صنعت دارند. جمیل نیک اندیش و حامد آرون، دو بنیان گذار هنرستان کارآفرینی رکاد هستند که تصمیم گرفته اند رویه کم بازده سیستم آموزشی را تغییر دهند. در ادامه با داستان راه اندازی این هنرستان که در نوع خود، اولین در کشور است و روش آموزشی آن بیشتر آشنا می شویم.

و بخش های خصوصی است، بپردازند و شاید در آینده تبدیل به کسب و کار اصلی آن ها شود. همچنین ما باشگاه کسب و کار جوانان را داریم که دانش آموزانی که بتوانند در یک حوزه، مهارت کافی به دست بیاورند و به این باشگاه وارد شوند، بتوانند پروژه های واقعی را اجرا کنند و کسب درآمد داشته باشند. پس از آماده شدن افراد این باشگاه، بین اکوسیستم استارت آپی مشهد، فراخوان برای گرفتن پروژه ارائه خواهیم کرد. البته او می گوید: به راحتی به بچه ها اجازه ورود به این فضا را نمی دهیم؛ چرا که باید جایگاه سازی شود. اینکه بچه ها فکر کنند مدرسه با کار یکی است و هر کس وارد مدرسه می شود، می تواند یک کارآفرین خوب هم بشود درست نیست. آموزش و یادگیری بخش اول و مقدمه ای برای کار کردن است. فضای کار فضای بسیار جدی تری است و تعهد و اخلاق حرفه ای و موضوعات فنی در آن مطرح است. ما باید جایگاه سازی کنیم و براساس آن بچه ها آرزو داشته باشند که بتوانند وارد باشگاه کسب و کار شوند. برای این منظور باید خودشان را توانمند کنند و آموزش ببینند و کارآموزی کنند. به عبارت دیگر برای ورود به این باشگاه، اهرم نمره وجود ندارد و توانایی های بچه ها مهم است.

● روزهای تعطیل مدرسه را باز کنید!

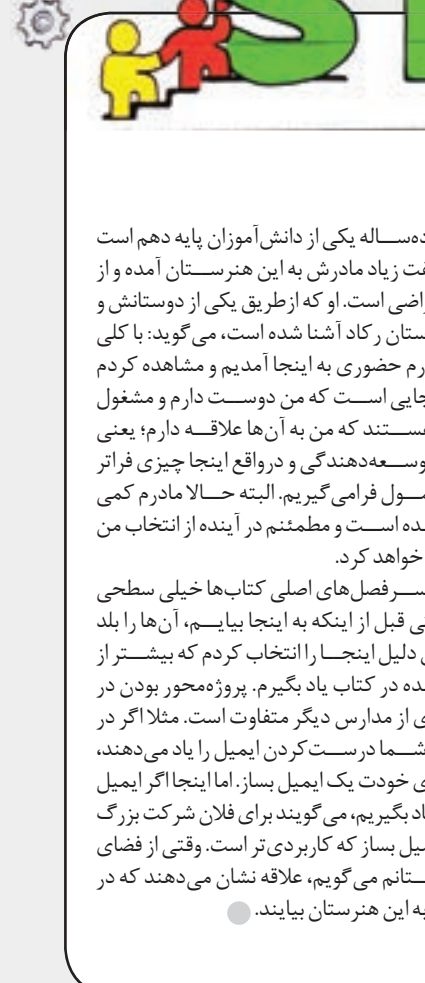
همان طور که گفته شد در ایران خانواده ها فقط ورود فرزندان شان به رشته های ریاضی و تجربی را عامل موفقیت آن ها می دانند و نگاهشان به رشته های هنرستانی و کار و دانش غالباً منفی است. در این باره نیک اندیش می گوید: در هنرستان ما فقط ۲۰ درصد والدین موافق حضور فرزندان شان در این هنرستان بودند. خانواده ای که فرزندش را در مدارس خارج از کشور ثبت نام کرده بودند، به دلیل نوسانات قیمت دلار با مشکل روبه رو شدند و به همین دلیل فرزندان را به این مرکز آموزشی آوردند. یا خانواده ای، باینکه فرزندشان در مدرسه نمونه قبول شده بود، او را در آنجا ثبت نام نکردند، بلکه برای یادگیری یک مهارت کاربردی به اینجا آوردند.

او ادامه می دهد: دیگر خانواده ها اما موافق حضور فرزندان شان در هنرستان نبودند و فقط به اصرار و به دلیل علاقه فرزندان شان، آن ها را در این مرکز ثبت نام کرده اند. برای نمونه ما دانش آموزی داریم که همراه خانواده اش در قم زندگی می کرد، اما برای تحصیل در مرکز ما همراه با مادرش به مشهد آمده و ساکن این شهر شده، در حالی که پدر در قم مانده است. دانش آموز دیگری نیز داریم که باینکه خانواده اش در کلات زندگی می کند، خود به تنهایی در مشهد مستقر شده است تا به این هنرستان بیاید.

جمیل نیک اندیش درباره میزان علاقه بچه ها به این سیستم آموزشی، خاطره ای جالب تعریف می کند و می گوید: در هفته دوم مهر که آموزش و پرورش به دلیل آلودگی هوا مدارس را تعطیل کرد، دانش آموز ما شاکلی شده بودند که چرا تعطیل کردید و مدرسه را باز کنید تا تیم ما به کارهایی که دارد برسد. حتی می گفتند که منتور ما هم لازم نیست باشند و فقط مدرسه را باز کنید تا ما به کارهای خود برسیم. ●

● کارآفرین یا کارمند کلیدی

بنیان گذاران رکاد برای اشتغال دانش آموزان خود برنامه های ویژه ای دارند. حامد آرون در این باره می گوید: بچه های حاضر در هنرستان ما در آینده با یک کارآفرین یا یک کارمند کلیدی می شوند. به همین دلیل از الان برای آن ها مسئله ای ویژه طراحی می کنیم تا آن ها با ایجاد تیم به حل این مسئله که برگرفته از شبکه مسائل دولت



معین مظفر پانزده ساله یکی از دانش آموزان پایه دهم است که با وجود مخالفت زیاد مادرش به این هنرستان آمده و از حضور در اینجا راضی است. او که از طریق یکی از دوستانش در تلگرام با هنرستان رکاد آشنا شده است، می گوید: با کلی اصرار همراه مادرم حضوری به اینجا آمدم و مشاهده کردم که اینجا همان جایی است که من دوست دارم و مشغول انجام کارهایی هستم که من به آن ها علاقه دارم؛ یعنی برنامه نویسی و توسعه دهنده گی و در واقع اینجا چیزی فراتر از درس های معمول فرامی گیریم. البته حالا مادرم کمی خوش بین تر شده است و مطمئنم در آینده از انتخاب من احساس رضایت خواهد کرد.

معین می گوید: سرفصل های اصلی کتاب خیلی سطحی است و من حتی قبل از اینکه به اینجا بیایم، آن ها را بلد بودم، اما به این دلیل اینجا را انتخاب کردم که بیشتر از موارد مطرح شده در کتاب یاد بگیرم. پروژه محور بودن در اینجا با بسیاری از مدارس دیگر متفاوت است. مثلاً اگر در دیگر مدارس به شما درست کردن ایمیل را یاد می دهند، می گویند که برای خودت یک ایمیل بساز. اما اینجا اگر ایمیل درست کردن را یاد بگیریم، می گویند برای فلان شرکت بزرگ یا استارت آپ ایمیل بساز که کاربردی تر است. وقتی از فضای اینجا برای دوستانم می گویم، علاقه نشان می دهند که در دوره های بعدی به این هنرستان بیایند. ●

**از من اصرار از مادرم انتظار**

● امیر مهدی ایل بیگی دیگر دانش آموز این هنرستان است که از کلات به مشهد آمده است، او می گوید: خیلی اتفاقی و هنگام وب گردی به سایت رکاد برخوردم.

متوجه شدم در کنار برگزاری رویدادها هنرستان استارت آپی هم وجود دارد که با قبولی در آزمون ورودی امکان حضور در آن هست. قبل از آن در هفدهمین دوره رکاد شرکت کردم و فضا را دیدم و به آن علاقه مند شدم. بعد در آزمون ثبت نام کردم و مصاحبه دادم و قبول شدم.

او می گوید: خانواده ام با حضور در مشهد برای تحصیل خیلی مخالف بودند اما به نظرم احترام گذاشتند و من را راهی مشهد کردند. امیر هم اکنون در منزل یکی از اقوام ساکن است.

امیر مهدی می گوید پایه دهم را در رشته انسانی تمام کرده و برای حضور در رشته ریاضی درس ها را قبول شده بود اما تصمیم خودش را گرفت و برای حضور در هنرستان استارت آپی رکاد مجدد پایه دهم خود را تکرار کرد، چون این هنرستان در سال اول تنها پایه دهم را دارد و از سال بعد، پایه یازدهم و دوازدهم به آن اضافه می شود.

وقتی می برسم قرار است چه اتفاقی برای او در این هنرستان بیفتد که این قدر مصمم به حضور در آن است، می گوید: قرار نیست اتفاق خاصی بیفتد؛ خود من قرار است اتفاقاتی را که می خواهم رقم بزنم. یک فضای استارت آپی مثل اینجا با نگرش های تازه شکل گرفته است و ورود به اینجا می تواند به موفقیت من بسیار کمک کند. حس می کنم موفقیت و اهدافی که همیشه دنبال آن بودم، در این فضا درست تر است.

او چند ایده در ذهن دارد اما تاکنون ۳ ایده او با شکست روبه رو شده و اکنون در حال جمع آوری اطلاعات درباره ایده سوم و برای آن در حال تیم سازی است. امیر می گوید: البته هنوز قصد راه اندازی ایده را ندارم؛ چون فهمیده ام که هنوز در این زمینه بی تجربه هستم و باید خیلی چیزها یاد بگیرم تا بتوانم به سمت اجرای ایده بروم.

نظر دوستانش را که درباره انتخابش جویا می شوم، می گوید: نظرات متفاوت است. بعضی دوستانم می گفتند که توداری یک سال از زندگی ات را هدر می دهی و آیا واقعاً مطمئن هستی به این انتخاب؟ چون ما این فضا آشنا نیستند، نگاه آن ها این طور است. در مجموع از بین دوستانم شاید یک یا دو نفر با فضای کار استارت آپی آشنا باشند؛ بقیه حتی نمی دانند که یک استارت آپ چیست. امیر مهدی درباره ورود به دانشگاه نظر جالبی دارد و می گوید: اگر دانشگاه بتواند چیزی فراتر از این فضا و رکاد به من اضافه کند، شاید بخواهم به آنجا بروم، اما رفتن به دانشگاه را چندان الزامی نمی دانم. البته رفتن به دانشگاه می تواند تجربه خوبی باشد؛ به همین دلیل درصدی از ذهن خود را به فکر درباره اینکه در یکی دو سال آینده به دانشگاه بروم یا نه اختصاص داده ام.

در پایان این گفت و گو خوشحالم از اینکه در آینده فرزندم می تواند در مراکز نوین مانند رکاد با سیستم های نوین آموزش ببیند و در دل حسرت می خورم که ای کاش سیستم آموزشی کشور خلاقت های ما را از بین نمی برد و ما هم می توانستیم با جسارت بیشتر و بر اساس استعدادهای فردی، مسیر آموزشی و شغلی خود را انتخاب کنیم. ●



**برای آمدن به خانواده جدا شدم**